

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفته‌ها

در قانون آیین دادرسی کیفری

محاكم

(دکترین و رویه قضایی)

جلد چهاردهم



تدوین:

موسی رحیمی

محمد مهدی مخبریان نژاد

رضا رحیمی دهسوری

انتشارات چتر دانش

عنوان قراردادی	ایران. قوانین و احکام Iran, Laws, etc.
عنوان و نام پدیدآور	محاکم (دکترین و رویه قضایی)/ تدوین موسی رحیمی، محمدمهدی مخبریان نژاد، رضا رحیمی دهنسوری.
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۲۷۸ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ م.س.
فروست	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ [ج. ۱۴].
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۱۳-۲؛ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۳۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان دیگر: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری محاکم (دکترین و رویه قضایی).
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۷۰ - ۲۷۸.
عنوان دیگر	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری محاکم (دکترین و رویه قضایی).
موضوع	آیین دادرسی جزایی — ایران Criminal procedure — Iran حقوق جزا — ایران Criminal law — Iran رویه قضایی — ایران Jurisprudence — Iran دادگاه‌های جزایی — ایران Criminal courts — Iran واخواهی (حقوق) — ایران Protest (Law) — Iran تجدیدنظر قضایی — ایران Judicial review — Iran
شناسه افزوده	رحیمی، موسی، ۱۳۴۸ -، گردآورنده
شناسه افزوده	مخبریان نژاد، محمدمهدی، ۱۳۶۵ -، گردآورنده
شناسه افزوده	رحیمی دهنسوری، رضا، ۱۳۶۶ -، گردآورنده
شناسه افزوده	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ [ج. ۱۴].
رده بندی کنگره	KMH۴۶۰۴
رده بندی دیویی	۳۴۵/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۷۱۱۵۶
اطلاعات کورد کتابشناسی	فیبا

نام کتاب	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری محاکم (دکترین و رویه قضایی) جلد چهاردهم
ناشر	چتر دانش
تدوین	موسی رحیمی - محمدمهدی مخبریان نژاد - رضارحیمی دهنسوری
نوبت و سال چاپ	اول - ۱۴۰۱
شمارگان	۱۰۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۳۰-۹
قیمت	۱۱۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸
 تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳
 پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com
 کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

پیشگفتار

۴۵ به نام خداوند بخشاینده مهربان

همان به که نیکی بود یادگار	نباشد همی نیک و بد پایدار
نخواهد بدن مر تو را سودمند	همان گنج دینار و کاخ بلند
سخن را چنین خوار مایه مدار	سخن ماند از تو همی یادگار
ز گوهر ورا پایه برتر سزید	سخن را سخن دان ز گوهر گزید
چنان کن که بر داد پویی همی	تو ای آن که گیتی بجویی همی

شاهنامه فردوسی

سلامت و سعادت فرد و جامعه و روح و جسم در گرو کسب رضای خداست^۱ احکام الهی، حدود و مرزهایی است که خداوند مقرر داشته است و اجازه تجاوز^۲ و حتی نزدیک شدن به آن‌ها را نمی‌دهد^۳ یکی از وظایف حکومت برقراری نظم و مجازات تعدی‌کنندگان به حدود الهی است^۴، دستیابی به حقیقت مستلزم جمع آوری دلایل، تحقیق از متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط در فرآیند دادرسی است، به‌گونه‌ای که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد نشود، شرافت آیین دادرسی کیفری از آن جهت است که عهده‌دار بیان سازوکارهای رعایت و تضمین عدالت در فرآیند تحقیق، رسیدگی و اجرای حکم است، و اهمیتش به این خاطر است که قوانین جزایی ماهوی را از حالت سکون خارج کرده و با در اختیار قرار دادن ابزار مناسب، مسیر را جهت اجرای عدالت ریل‌گذاری می‌کند.

با توجه به گستردگی منابع مورد نیاز جامعه حقوقی، کتاب حاضر که دفتری از مجموعه ای ۲۰ جلدی است به محاکم اختصاص یافته است و به شرح و تفسیر

۱. سوره مائده، آیه ۱۶ ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾

۲. سوره بقره، آیه ۲۲۹ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۷ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا﴾

۴. سوره صاد، آیه ۲۶ ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾

مواد قانونی مرتبط با محاکم از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به ترتیب زیر پرداخته است:

- نظریه‌های شورای نگهبان
- دکترین و اندیشه‌های حقوقی
- منابع معتبر فقهی و فتاوی مشهور فقیهان
- آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور
- آرای قضایی شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر و دیوان عالی کشور
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح
- قوانین و مقررات مرتبط

از اندیشمندان و دانشجویان گرامی تقاضا دارد از طریق نشانی‌های زیر با ارائه پیشنهادها و نظرات نگارندگان را مورد عنایت و لطف قرار داده و یاری رسانند.

موسی رحیمی

MosaRahimi@hotmail.com

مهدی مخبریان نژاد

Mm_mokhberiannejad@yahoo.Com

رضا رحیمی دهنسوری

RezaRahimi127@yahoo.Com

فهرست

- پیشگفتار ۴
- بخش اول - تشکیلات و صلاحیت در دادگاه های کیفری بدوی ۱۰
- فصل اول - تشکیلات و صلاحیت دادگاه کیفری دو ۱۰
- بند ۱- تشکیلات دادگاه کیفری دو ۱۰
- بند ۲- صلاحیت دادگاه کیفری دو ۱۳
- فصل دوم - تشکیلات و صلاحیت دادگاه کیفری یک ۴۸
- بند ۱- تشکیلات دادگاه کیفری یک ۴۸
- بند ۲- صلاحیت دادگاه کیفری یک ۵۲
- فصل سوم - تشکیلات و صلاحیت دادگاه انقلاب ۶۶
- بند ۱- تشکیلات دادگاه انقلاب ۶۶
- بند ۲- صلاحیت دادگاه انقلاب ۶۹
- فصل چهارم - تشکیلات و صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان ۷۹
- بند ۱- تشکیلات دادگاه اطفال و نوجوانان ۸۰
- بند ۲- صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان ۸۲
- فصل پنجم - تشکیلات و صلاحیت دادگاه بخش ۸۸
- بخش دوم - نحوه رسیدگی در دادگاه های کیفری بدوی ۹۰
- فصل اول - نحوه رسیدگی در دادگاه کیفری دو ۹۰
- الف- جهات شروع به رسیدگی ۹۰

- ب- کیفیت ارجاع پرونده ها به شعب..... ۹۲
- ث- تشریفات رسیدگی ۱۱۳
- ۱- تعیین وقت رسیدگی و کیفیت ابلاغ..... ۱۱۳
- ۲- حق همراه داشتن وکیل..... ۱۲۲
- ۳- حق مطالعه و تهیه تصویر از اوراق پرونده..... ۱۲۵
- ۴- اصل علنی بودن محاکمات..... ۱۲۷
- بند ۲- نحوه رسیدگی در دادگاه کیفری دو ۱۳۰
- الف- تشریفات و ترتیب رسیدگی..... ۱۳۰
- پ- قواعد حاکم بر روند رسیدگی..... ۱۳۴
- بند ۳- صدور و ابلاغ رای ۱۴۱
- فصل دوم- نحوه رسیدگی در دادگاه کیفری یک ۱۵۲**
- بند ۱- کیفیت شروع به رسیدگی در دادگاه کیفری یک ۱۵۲
- الف- جهات شروع به رسیدگی ۱۵۲
- ب- تشریفات شروع به رسیدگی ۱۵۳
- ۱- حق و تکلیف همراه داشتن وکیل..... ۱۵۳
- ۲- حق ارائه ایرادها و اعتراض ها از سوی طرفین..... ۱۵۷
- پ- مقدمات رسیدگی به طرح شدن مستقیم جرائم در دادگاه..... ۱۶۰
- ت- مقدمات رسیدگی به پرونده های دارای کیفرخواست..... ۱۶۱

- بند ۲- نحوه رسیدگی در دادگاه کیفری دو ۱۶۳
- الف- تشریفات و ترتیب رسیدگی ۱۶۳
- بند ۳- صدور و ابلاغ رای ۱۷۰
- فصل سوم- نحوه رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان ۱۷۳**
- بند ۱- ترتیب رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان ۱۷۳
- بند ۲- موارد لزوم تعیین وکیل برای اطفال و نوجوانان در دادگاه ۱۷۴
- بند ۳- دادخواست ضرر و زیان علیه اطفال و نوجوانان ۱۷۶
- بند ۴- نحوه ابلاغ آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان ۱۷۶
- بخش سوم- واخواهی و اعتراض به آراء ۱۷۷**
- فصل اول- واخواهی ۱۷۷**
- بند ۱- تعریف رای غیابی و شرایط واخواهی ۱۷۷
- بند ۲- نحوه رسیدگی به واخواهی ۱۸۵
- فصل دوم- تجدیدنظر خواهی ۱۹۲**
- بند ۱- تشکیلات و صلاحیت دادگاه تجدیدنظر ۱۹۲
- بند ۲- آراء قابل تجدیدنظر و مهلت تجدیدنظر خواهی ۱۹۵
- بند ۳- اشخاص صالح و جهات تجدیدنظر خواهی ۲۰۳
- بند ۴- آثار اسقاط حق تجدیدنظر خواهی ۲۰۶
- بند ۵- تجدیدنظر خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان ۲۱۰

- بند ۶- تجدیدنظرخواهی از درخواست تا ارجاع ۲۱۱
- بند ۷- نحوه ارجاع و نوبت دهی پرونده ها ۲۱۴
- بند ۸- تشریفات و ترتیب رسیدگی ۲۱۴
- بند ۹- قواعد حاکم بر روند رسیدگی ۲۱۹
- بند ۱۰- صدور رای ۲۲۶
- فصل سوم- فرجام خواهی ۲۲۸**
- بند ۱- تشکیلات و صلاحیت دیوان عالی کشور ۲۲۸
- بند ۲- آراء قابل فرجام خواهی و مهلت فرجام خواهی ۲۲۸
- بند ۳- اشخاص صالح و جهات فرجام خواهی ۲۳۳
- بند ۴- فرجام خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان ۲۳۴
- بند ۵- فرجام خواهی از دادخواست تا ارجاع ۲۳۵
- بند ۶- نحوه ارجاع و نوبت دهی پرونده ها ۲۳۶
- بند ۷- تشریفات و قواعد حاکم بر رسیدگی ۲۳۷
- بند ۸- ترتیب رسیدگی و تصمیمات اتخاذی ۲۳۸
- بند ۹- اقدامات مرجع رسیدگی پس از نقض رای در دیوان عالی کشور ... ۲۴۰
- بند ۱۰- ایجاد وحدت رویه از ضرورت تا صدور رای ۲۴۱
- فصل چهارم- اعاده دادرسی ۲۴۲**
- بند ۱- موضوع و علل مجوز درخواست اعاده دادرسی ۲۴۳

- بند ۲- اشخاص صالح جهت درخواست اعاده دادرسی..... ۲۴۶
- بند ۳- دیوان عالی کشور، مرجع رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی ۲۴۷
- بند ۴- تجویز اعاده دادرسی به تشخیص رئیس قوه قضائیه..... ۲۴۹
- بند ۵- تاثیر تجویز اعاده دادرسی بر اجرای حکم..... ۲۵۶
- بند ۶- روند بررسی در اعاده دادرسی و تصمیمات اتخاذی..... ۲۵۸
- بند ۷- درخواست اعاده دادرسی نسبت به حکم صادره در مقام اعاده دادرسی
..... ۲۵۸
- فهرست منابع..... ۲۶۰**



**بخش اول – تشکیلات و صلاحیت در
دادگاه های کیفری بدوی**



فصل اول - تشکیلات و صلاحیت دادگاه کیفری دو

بند ۱- تشکیلات دادگاه کیفری دو

ماده ۲۹۴- دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود.

در رسیدگی‌های کیفری اولین نکته که باید مورد توجه قرار گیرد، صلاحیت است یعنی این که ابتدا با توجه به نوع جرم، صلاحیت ذاتی دادگاه تعیین شود سپس بررسی شود که از بین دادگاه‌های متعددی که صلاحیت ذاتی دارند، کدام یک شایستگی ویژه برای رسیدگی به جرم ارتكابی را دارد. این نوع شایستگی را صلاحیت محلی یا نسبی می‌نامند (مواد ۱۱۶ تا ۱۱۹ همین قانون) البته گاهی صلاحیت مراجع کیفری به اعتبار سمت اداری- اجتماعی و یا وضعیت خاص شخصی مرتکب، تعیین و مشخص می‌گردد؛ درحقیقت این امر استثنائی به قواعد کلی صلاحیت محلی است که به آن صلاحیت شخصی می‌گویند (مواد ۳۰۷ و ۳۸ این قانون) (ر.ک: آخوندی، آ.د.ک، ج ۲ ص ۴۴۱ تا ۴۶۴). با توجه به این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان به‌عنوان یک دادگاه اختصاصی (نه تخصصی) محسوب می‌شود حال آن که پیش‌ازاین صرفاً یک مرجع تخصصی و یکی از شعب دادگاه عمومی قلمداد می‌شد.

در امور کیفری سه نوع صلاحیت داریم: ذاتی، محلی و شخصی. حقوق‌دانان دو نوع دیگر صلاحیت شامل صلاحیت نسبی و صلاحیت اضافی را نیز مطرح کرده‌اند که در بطن همان صلاحیت‌ها نهفته است. منظور از صلاحیت نسبی آن است که هر یک از دادگاه‌ها از حیث میزان مجازات، صلاحیت رسیدگی به کدام جرائم را دارند مانند صلاحیت دادگاه کیفری یک نسبت به دادگاه کیفری دو (مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ این قانون) و منظور از

از قبیل قابلیت تجدیدنظرخواهی از آراء شامل دادگاه انقلاب نیز می‌شود.

صرف‌نظر از این‌که در خصوص تعیین صلاحیت مرجع قضائی در جرائم کلاهبرداری رایانه‌ای و مزاحمت تلفنی به ترتیب، آرای وحدت رویه شماره ۷۲۹ مورخ ۱۳۹۱/۲/۱ و ۷۲۱ مورخ ۹۰/۴/۲۱ صادرشده است، با توجه به ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و مستنبط از مواد ۵۱ الی ۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ (مواد ۳۱۰ تا ۳۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، تشخیص صلاحیت هر دادگاه یا مرجع قضایی، با خود آن دادگاه یا مرجع است که باید بر اساس قانون، صورت پذیرد و مطابق قسمت اخیراصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعیین صلاحیت دادگاه‌ها، منوط به حکم قانون است، بنابراین، امکان تعیین یا تغییر صلاحیت

صلاحیت اضافی، توسعه صلاحیت به معنای دادن صلاحیت اضافه به مرجع قضائی است. (ماده ۳۱۱ این قانون) (ر.ک: مصدق، آ.د.ک، ص ۴۲۲).

ویژه روحانیت نیز یکی از دادگاه‌های کیفری با صلاحیت رسیدگی به جرائم اشخاص روحانی به شرح مندرج در آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات ۱۳۸۴ است. عدم ذکر دادگاه ویژه روحانیت در ماده فوق به معنای حذف آن از شمار دادگاه‌های کیفری نیست بلکه به لحاظ عدم تعلق تشکیلاتی آن به قوه قضائیه و استناد به موجودیت و صلاحیت آن به آیین‌نامه فوق است. (خالقی، آ.د.ک، صص ۲۸۷ و ۲۸۸).

دادگاه انقلاب که در قانون پیشین قسیم دادگاه‌های عمومی اعم از کیفری و عمومی بود، در ماده بالا از اقسام دادگاه کیفری به شمار آمده، در نتیجه تمامی احکام مذکور در این قانون در مورد دادگاه‌های کیفری

مراجع قضائی با صدور بخشنامه، متنی است. (نظریه ۷/۹۴/۵۵۱-۱۳۹۴/۳/۲.ح.ق.)

با توجه به صراحت ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۱، لغو «قرار تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از مجازات» صرفاً به عهده دادگاهی است که حکم محکومیت قطعی یکی از جرائم موضوع ماده مذکور را که محکوم در مدت تعلیق مرتکب شده است، صادر نموده است، اعم از این که این دادگاه، دادگاه نظامی باشد یا عمومی یا انقلاب و یا در همان حوزه قضائی دادگاه صادرکننده قرار تعلیق مجازات باشد یا در حوزه قضائی دیگر، زیرا دادگاه اخیر با رعایت صلاحیت ذاتی و محلی به جرم ارتكابی در مدت تعلیق رسیدگی می‌کند و به ماهیت جرمی که مجازات آن تعلیق شده وارد نمی‌شود تا منافاتی با صلاحیت ذاتی و محلی داشته باشد. (نظریه ۷/۹۴/۲۵۲-۱۳۹۴/۸/۱۹.ح.ق.)

قوانین مرتبط: از همین قانون به مواد ۲۲ تا ۲۷ (دادسرا و حدود صلاحیت آن) ماده ۷۸ (اقدامات لازم در مورد جرائم مشهود که رسیدگی به آن‌ها از صلاحیت دادگاه محل خارج است) ماده ۲۷۱ (مرجع صالح جهت حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض) مواد ۲۹۴ تا ۳۱۸ (تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو، یک، اطفال و نوجوانان و...) و مواد ۵۹۷ تا ۶۰۱ (صلاحیت دادسرا و دادگاه نظامی) و مواد ۶۶۴ تا ۶۶۵ در زمینه صلاحیت جرائم رایانه‌ای مراجعه شود.

از قانون اساسی اصل سی و ششم: حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. از قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰: ماده ۱۵: مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه چهار تا هفت محکوم خواهند شد.

۵- رعایت نکردن مقررات مربوط یا محلی.
به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی

ماده ۲۹۵- دادگاه کیفری دو با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل در حوزه قضائی هر شهرستان تشکیل می‌شود.

با توجه به این ماده، دادگاه کیفری دو فقط در شهرستان است لذا در حوزه قضائی بخش این دادگاه تشکیل نمی‌شود. برای شناخت میزان صلاحیت این دادگاه به ماده ۳۰۱ این قانون رجوع شود.

به رسیدگی به پرونده‌هایی است که به شعبه تحت تصدی و مدیریت وی ارجاع می‌گردد و رئیس شعبه هرچند عنوان «دادرس» در معنای اعم را دارد ولی «دادرس علی‌البدل» تلقی نمی‌گردد و تفاوت بین «رئیس شعبه» با «دادرس علی‌البدل» در همین امر می‌باشد. (نظریه ۴۲۴ همین قانون باید عمل می‌شود. ا.ح.ق).

این ماده در خصوص قضات دادگاه است و در مورد قضات دادسرا مطابق ماده ۴۲۴ همین قانون باید عمل می‌شود.

رئیس شعبه دادگاه، منحصرأً مجاز

بند ۲- صلاحیت دادگاه کیفری دو

ماده ۳۰۱- دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

می‌توان گفت جرائم زیر در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود: الف- جرائمی که مجازات آن‌ها از نوع مجازات‌های تعزیری درجه چهار تا هشت باشد. ب- جرائم عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه‌ی آن‌ها از نصف دیه‌ی کامل کمتر باشد. ج- کلیه جرائم غیرعمدی علیه تمامیت جسمانی با هر میزان د- جرائم موجب مجازات حد مگر این‌که موجب سلب حیات، حبس ابد و یا قطع عضو باشد. (ر.ک:

مصدق، آ.د.ک، ص ۳۸۰). با توجه به صراحت ماده ۱ قانون چون منظور از صلاحیت ذاتی، شامل نوع دادگاه‌ها یعنی صلاحیت بر اساس عمومی یا اختصاصی بودن مرجع رسیدگی نیز می‌گردد و با توجه به مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که طی آن، صلاحیت‌های دادگاه‌های کیفری یک و دو به تفکیک بیان شده است و با لحاظ تبصره ۳ ماده ۲۹۶ قانون فوق‌الذکر که دادگاه‌های کیفری استان به دادگاه‌های کیفری یک و دادگاه‌های عمومی جزائی به دادگاه‌های کیفری ۲ تبدیل می‌شوند و نیز توجهاً به ماده ۲۷۱ این قانون که مداخله دادگاه‌های کیفری دو را در حل اختلاف دادستان و بازپرس ناظر برجای می‌داند که دادگاه کیفری یک (صالح به رسیدگی اتهام) در محل، تشکیل نشده باشد، بنابراین صلاحیت دادگاه کیفری یک نسبت به دادگاه‌های کیفری دو ذاتی محسوب می‌گردد. (نظریه ۷/۹۴/۳۴۹- ۱۳۹۴/۲/۳۰ ا.ح.ق).

با توجه به صراحت ماده ۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰، در تعریف عنوان قاچاق که مختص وارد و صادر کردن اشیاء موصوف در آن ماده است، در این صورت فقط جرم قاچاق مواد مذکور، در دادگاه انقلاب اسلامی قابل رسیدگی است و فی الجمله، سایر عناوین خرید و فروش و نگهداری و حمل این موارد، در صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های عمومی جزائی است و رأی وحدت رویه شماره ۷۲۷ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز مؤید همین معناست. بنابراین رسیدگی به جرم نگهداری سلاح غیرمجاز، در صلاحیت دادگاه جزایی بوده و لذا واخواهی نسبت به رأی غیابی دادگاه مزبور نیز در همان دادگاه صادرکننده حکم غیابی صورت خواهد گرفت، ضمناً قانون قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۹۰، قانون خاص بوده و از شمول احکام

دادگاه‌های عمومی بودند اما با اجرای قانون آیین دادرسی کیفری جدید از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ و تشکیل دادگاه‌های کیفری به شرح فوق‌الذکر صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی و دادگاه‌های کیفری از نوع صلاحیت ذاتی می‌باشد، بنابراین ذیل ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز نسخ ضمنی شده است ضمن آنکه بر دادگاه‌های کیفری اعم از کیفری دو و یک و... (شعب جزایی) مذکور در ذیل ماده ۴ یادشده اصولاً قابل اطلاق نمی‌باشد بلکه بر آن‌ها (دادگاه‌های کیفری) اطلاق می‌شود. ثانیاً حدود صلاحیت هر قاضی بر اساس ابلاغ قضائی وی مشخص می‌گردد و چنانچه سمت قضائی قاضی دادرسی دادگاه کیفری دو باشد با توجه به تفاوت صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو با دادگاه‌های عمومی حقوقی ارجاع پرونده‌های عمومی و پرونده‌های کیفری به شعب حقوقی این دادگاه‌ها در موارد ضرورت به موجب ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به این علت بود که شعب کیفری و حقوقی هر دو شعبی از

مقرر در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ خارج است. (نظریه ۱۳۹۴/۲/۷-۷/۹۴/۳۲۳.ح.ق).
اولاً با توجه به این که بر اساس ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری دو دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه نظامی تقسیم می‌شود و به موجب این قانون صلاحیت هر یک از این دادگاه‌ها برای رسیدگی به امور کیفری مشخص شده است و با توجه به این که به موجب ماده ۵۷۰ این قانون موادی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب از جمله ماده ۱ آن در حدی که مربوط به امور کیفری است نسخ صریح شده است و با عنایت به این که تجویز ارجاع پرونده‌های حقوقی به شعب کیفری دادگاه‌های عمومی و پرونده‌های کیفری به شعب حقوقی این دادگاه‌ها در موارد ضرورت به موجب ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به این علت بود که شعب کیفری و حقوقی هر دو شعبی از

در مواردی استثنایی و از باب ضرورت قضات دادگاه اعم از کیفری یا حقوقی مجاز به مداخله در تحقیقات مقدماتی پرونده‌های مربوط به دادرسی می‌باشند که در تبصره ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ به آن اشاره شده است و در خصوص افرادی که در راستای اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در بازداشت می‌باشند نیز در صورتی که به هیچ وجه دسترسی به قضات دادگاه نباشد در حد ضرورت اقدام قضات دادرسی بلامانع به نظر می‌رسد. (از نظریه ۷/۹۶۴-۹۵/۴/۲۷.ا.ح.ق).

رسیدگی به جرائم موضوع فصل هفتم قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ وفق عموماً آیین دادرسی کیفری و علی‌الاصول در دادگاه عمومی (کیفری) رسیدگی می‌شود، زیرا صلاحیت دادگاه خانواده که امری استثنایی و مستلزم تفسیر به قدر متیقن است، منحصر به موارد ۱۸ گانه مذکور در ماده ۴ قانون یادشده می‌باشد. (از نظریه ۷/۹۳/۲۳۰۵-۱۳۹۳/۹/۲۴.ا.ح.ق).

صلاحیت دادگاه‌های عمومی حقوقی و دادگاه‌های کیفری، از نوع صلاحیت ذاتی می‌باشد، بنابراین، ذیل ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز نسخ ضمنی شده است. ضمن آنکه بر دادگاه‌های کیفری، اعم از کیفری دو و یک و... «شعبه جزائی» مذکور در ذیل ماده ۴ یادشده، اصولاً قابل اطلاق نمی‌باشد، بلکه بر آن‌ها «دادگاه کیفری» اطلاق می‌شود. در فرض سؤال نیز دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از آرای شورای حل اختلاف در امور حقوقی را ندارد. (نظریه ۷/۹۴/۲۳۱۹-۱۳۹۴/۸/۲۷.ا.ح.ق).

رسیدگی به دعاوی مدنی از جمله استثنائات مقرر از سوی قانون‌گذار بر صلاحیت محاکم جزایی است لذا صرفاً ضرر و زیان مستقیم ناشی از جرم در دادگاه کیفری قابل مطالبه است و سایر ادعاها باید در

حبس (در مقام تخفیف و تبدیل آن مجازات) و کیفر جایگزین مجازات حبس که علی القاعده ماهیت خفیف تر و ملایم تری از حبس دارد، استفاده شده است و عرف و سابقه قانون گذاری در کشور ما نیز حکایت از صحت چنین استنباطی دارد. بنا به مراتب مذکور، به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و بالنتیجه صلاحیت دادگاه است. (وحدت رویه شماره ۷۴۴-۱۹/۸/۱۳۹۴ دیوان عالی کشور).

هرچند تجهیزات دریافت از ماهواره طبق تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ از مصادیق کالای ممنوع است، لکن نگهداری آن فی حد ذاته اگرچه عملی مجرمانه و مستوجب مجازات است، ولی با توجه به معنای خاص قاچاق به شرحی که در بند الف

دادگاه حقوقی مطرح شوند. (ر.ک: مجموعه آرای قضائی دادگاه های تجدیدنظر استان تهران، بهمن ۱۳۹۱، ص ۷۵).

مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، قانون گذار هر یک از مجازات ها را در درجه ای خاص قرار داده که قرار گرفتن هر مجازات در مرتبه ای معین درعین حال مبین شدت و ضعف آن کیفر نیز می باشد، لکن در هر یک از این درجات نیز کیفرهای غیر متجانس وجود دارد که به لحاظ عدم امکان سنجش آن ها با یکدیگر، تشخیص کیفر اشد در بین آن ها بعضاً با اشکال مواجه می گردد؛ به منظور رفع اشکال، تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون یادشده، در مقام بیان قاعده، مقرر می دارد... در صورت تعدد مجازات ها و عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است...؛ علاوه بر این در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی، از جزای نقدی به عنوان «بديل مناسب تر» مجازات

ماده ۱ قانون مورد اشاره آمده و دادگاه، مشمول حکم مقرر در ماده تمیزی که قانون‌گذار بین عناوین مذکور در قانون یادشده قائل شده است، داخل در عنوان قاچاق نبوده و به همین جهت از حیث صلاحیت

ماده ۳۰۴- به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.

ماده ۳۰۶ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - به جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود.

تبصره (الحاقی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مُضَاجَعَه است.

جرائم زیر مستقیماً در دادگاه صالح رسیدگی می‌شوند: الف- جرائم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت (ماده ۳۰۶). ب- جرائم افراد زیر ۱۵ سال (ماده ۲۸۵). ج- جرائم تعزیری هفت و هشت (ماده ۳۴۰). د- جرائمی که در صلاحیت دادگاه عمومی بخش است (ماده ۲۹۹). منظور از رسیدگی «به‌طور مستقیم»، «مراجعه‌ی مستقیم» شاکی یا ارسال مستقیم گزارش وقوع جرم از سوی ضابطان به دادگاه نیست، بلکه اصولاً شاکی باید شکایت خود را به دادستان تقدیم نماید (ماده ۶۹) و ضابطان نیز پس از اطلاع از وقوع جرم، آن را به دادستان اعلام کنند (ماده ۴۴). تشخیص مصادیق طرح مستقیم پرونده در دادگاه و در نتیجه لزوم یا عدم لزوم انجام تحقیقات مقدماتی در دادسرا، امری

قاضی واضح باشد (از راه های علمی قانوناً و برگرفته از راه های اثبات) می تواند که بر طبق آن، در غیر اجرا حدود الهی حکم نماید و در اجرا حدود اشکال دارد. (سایت آیت الله سیستانی).

طبق بند ت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات زانی به عنف «اعدام» است و نیز مطابق بند الف ماده ۳۰۲ و ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، جرم «زنا» به عنف «مستقیماً در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی قرار می گیرد، لذا در هر مورد که عنوان اتهام «زنا» به عنف» باشد صرف نظر از وجود یا عدم وجود دلایل، انجام تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و صدور رأی در صلاحیت «دادگاه کیفری یک» است و این دادگاه قانوناً مجاز نیست که انجام تحقیقات مقدماتی و کسب دلایل را به «دادگاه کیفری دو» محول کند. دادگاه کیفری یک حتی اگر پس از رسیدگی و ختم دادرسی

تخصصی است که نباید به ضابطان و مراجعان دادگستری واگذار گردد. (خالقی، آ.د.ک، ص ۳۱۴).

با توجه به سیاق ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی جدید کاملاً مشخص می شود که مستندات علم قاضی باید بین و روشن بوده و هیچ شکی در آن نباشد. همچنین ملاک علم باید جمع امارات قضائی و شرعی باشد و بینه برای هر جرمی با استناد به راه های اثبات آن نوع جرم در نظر گرفته می شود و نه صرف وجود یک فیلم یا هرگونه شواهد دیگر! بنابراین به نظر نمی رسد در محاکم نیز به صرف وجود یک فیلم، حکم به زانی بودن داده و شخص را محکوم به حد زنا کرد. (سایت دانشگاهی و مسائل حقوقی دانشگاهی رهبری معظم، شماره نامه: ۱۰۰۲۴۶۱۳۱- تاریخ ۹۲/۱۰/۱۹).

علم قاضی، جای بینه و اقرار را نمی گیرد و لکن در مورد جرائم غیر از حدود، بینه مختص به شهادت عدلین نیست. چنانچه امر در نزد

رابطه نامشروع تعزیری در ماده ۳۰۶ قانون یادشده، تنها آن دسته از جرائمی است که در آن‌ها رابطه جنسی فیزیکی شرط است. (نظریه ۷/۹۴/۲۰۸۴-۷/۲۷/۱۳۹۴.ا.ح.ق). طبق ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قوادی عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط و به‌موجب تبصره ۱ این ماده حدّ قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است. در غیر این صورت، عامل مستوجب تعزیر مقرر در ماده ۲۴۴ این قانون است. با توجه به تصریح این ماده و تبصره‌های آن حدّ قوادی در صورتی اجرا می‌شود که زنا یا لواط محقق گردد. یعنی ثبوت زنا یا لواط مقدمه بزه حدّ قوادی است و چون طبق ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود، پس به‌اجبار باید برای احراز بزه قوادی پرونده مستقیماً به دادگاه صالح ارسال تا ابتدا نسبت

نیز متوجه شود که اتهام «زنا یا عفت» صحیح نبوده بلکه اتهام از نوع اعمال منافی عفت دون زنا یا عفت است بازهم بر اساس تبصره ۲ ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مجاز به صدور قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت دادگاه کیفری دو نیست. (نظریه ۷/۹۴/۲۳۹۱-۷/۹۴/۹۴.ا.ح.ق). ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، شامل دو بخش مختلف است و بخش اول ناظر به «روابط نامشروع» و بخش دوم ناظر به «عمل منافی عفت» است و در موارد موضوع این ماده در خصوص روابط نامشروع، ارتباط فیزیکی بدنی شرط نیست، اما در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی، جرائم منافی عفت با توجه به تعریف مذکور در تبصره این ماده، شامل جرائم جنسی حدی و نیز روابط نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه می‌باشد، بنابراین؛ با لحاظ مثال‌های یادشده، منظور از جرائم

به زنا یا لواط رسیدگی و در صورت احراز، قواد به مجازات حد قوادى محکوم گردد، در غیر این صورت به مجازات تعزیری مذکور در ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم خواهد شد. بنا به مراتب، رسیدگی به جرم قوادى در صلاحیت دادگاه صالح به رسیدگی زنا یا لواط است، با این توضیح که در صورت اثبات بزه زنا یا لواط، حدّ قوادى جاری و در غیر این صورت به مجازات تعزیری محکوم خواهد شد، ضمناً قوادى معاونت خاص در زنا و لواط

نیز محسوب می‌شود، معاون باید طبق ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری در دادگاهی محاکمه شود که مباشر محاکمه می‌شود. (نظریه ۷/۹۴/۲۸۲۲-۱۵/۱۰/۹۴.ح.ق). قوانین مرتبط: از همین قانون تبصره ماده ۸۰ (الحاقی ۳/۲۴/۱۳۹۴)- مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده و سایر قرارهای قابل اعتراض مربوط به تحقیقات مقدماتی جرائمی که به‌طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شوند، دادگاه تجدیدنظر است.

ماده ۳۰۷ (اصلاحی ۳/۲۴/۱۳۹۴)- رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استان‌ها، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آن‌که رسیدگی به این جرائم به‌موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

تبصره ۱- شمول این ماده بر دارندگان پایه قضائی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضائیه یا نیروهای مسلح انجام‌وظیفه

کنند.

تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.

است که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند.

پیش از تصویب این قانون رسیدگی به جرائم اشخاص مذکور در ماده بالا در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران بود که مطابق این قانون تمامی دادگاه‌های کیفری تهران صالح به رسیدگی می‌باشند. منظور از صلاحیت اضافی واگذاری صلاحیت رسیدگی به برخی جرائم یا جرائم برخی اشخاص به دادگاه توسط قانون‌گذار است. برای مثال مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ یکی از موارد صلاحیت اضافی را مورد اشاره قرار داده است. (رحمدل منصور، آ.د.ک، ج ۲، ص ۱۷۸).

مطابق ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادسرا در معیت دادگاه کیفری می‌باشد و ماده ۲۶ این قانون نیز بر همین مبنا،

گاهی صلاحیت مراجع کیفری به اعتبار سمت اداری، اجتماعی و یا وضعیت خاص شخص مرتکب، تعیین و مشخص می‌گردد؛ در حقیقت این نوع شایستگی، استثنایی است بر قواعد صلاحیت محلی که صلاحیت شخصی نام دارد.

از بین مدیران کل اطلاعات استان‌ها، فقط مدیران کل اطلاعات استان‌ها در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران و بقیه مطابق ماده ۳۰۸ در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است.

مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ از حیث نوع اتهام مطلق بوده و اختصاص به جرائمی که به مناسبت شغل و وظیفه مرتکب شده باشند ندارند.

مطابق ماده ۳۰۹ همین قانون صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرائم اشخاص ماده بالا، اعم از آن

را انجام خواهد داد. (۹۴/۱۱/۲۰-
۳۲۲۶/۷/۹۴.ح.ق).
در قوانین و مقررات آیین دادرسی
کیفری رسیدگی به جرم نماینده
مجلس منوط به اجازه مجلس نشده
است و مقام قضائی می‌تواند رأساً
رسیدگی نماید. (نظریه ۷/۲۹۹۶-
۱۳۹۴/۱۰/۲۹.ح.ق).
بخشنامه به کلیه دادگاه‌ها و
دادسراها یا انقلاب سراسر کشور
نظر به این که در عمل مشاهده
شده است برخی دادگاه‌ها یا
دادسراهای انقلاب برخلاف قوانین
موضوعه یا پیمان‌های بین‌المللی
و سیاست دولت، اقدام به توقیف
یا بازداشت و یا بازرسی محل
اقامت مأمورین سیاسی نموده‌اند،
لزوماً متذکر می‌شود در این موارد،
مقررات قرارداد وین درباره روابط
سیاسی (مجموعه قوانین سال
۱۳۴۵، ص ۳۸۰) و کنوانسیون وین
درباره روابط کنسولی (مجموعه
قوانین سال ۱۳۵۲) و کنوانسیون
درباره مأموریت‌های مخصوص
(مجموعه قوانین سال ۱۳۵۳، ص

انجام وظایف دادرسی را در خصوص
جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در
صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه
محل وقوع جرم است، به عهده
دادسرای دانسته که در معیت
دادگاه صالح انجام وظیفه می‌کند
و قسمت اخیر این ماده، استثناء
بر این امر را مشروط به تصریح
قانون نموده است که مصداق آن
در ماده ۴۰۱ قانون فوق‌الذکر بیان
شده است و به موجب آن باوجودی
که در حوزه قضائی محل وقوع
جرم، دادگاه کیفری یک تشکیل
نشده است قسمت اخیر تبصره
یک ماده ۲۹۶ این قانون (دادسرای
محل وقوع جرم را عهده‌دار وظایف
و اختیارات دادرسی و از جمله
شرکت در جلسه محاکم و دفاع از
کیفرخواست دانسته است؛ بنابراین
در فرض سؤال دادسرای تهران
وظایف و اختیارات دادرسی، در
خصوص مواردی که در صلاحیت
دادگاه کیفری یک تهران است و
از جمله رسیدگی به جرائم مقامات
مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون

۲۷۷) مجری و معتبر و لازم‌الرعایه است. به‌موجب مواد ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۷ قرارداد وین مأمور سیاسی و بستگان آن‌ها که اهل خانه مأمور سیاسی هستند مصون هستند و نمی‌توان آن‌ها را به‌هیچ‌عنوان، مورد توقیف یا بازداشت قرارداد. محل اقامت خصوصی مأمور سیاسی مانند اماکن مأموریت، مصون از تعرض است و مأمور سیاسی از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است. اسناد و مکاتبات مأموریت سیاسی نیز مصون از تعرض است. همین ضوابط در مورد کسانی اعمال می‌شود که به مأموریت مخصوص اعزام شده‌اند. تعقیب مأمورین کنسولی فقط در حدود ماده ۴۱ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی با رعایت سایر مقررات کنوانسیون، جایز است؛ بنابراین موکداً متذکر می‌گردد دادگاه‌ها دادرهای انقلاب اسلامی هنگامی که مأمورین سیاسی و یا مأمورین کنسولی و یا نمایندگان کشورهای خارجی در

مأموریت مخصوص، مورد سوءظن یا اتهام جزایی قرار گیرند مراقبت کامل به کار برند نسبت به شخص آن‌ها یا محل سکونتشان هیچ عملی مغایر و مخالف با قانون و پیمان‌های بین‌المللی انجام نگیرد و قبل از هر اقدام عملی، وزارت امور خارجه را در جریان امر قرار دهند تا اقدامی مغایر قانون یا مصالح عالیه کشور صورت نگیرد و چون به‌موجب بند ۴ ماده ۳۱ قرارداد وین درباره روابط سیاسی، مصونیت قضایی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده او را تعقیب قضایی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت، هرگاه به مواردی برخورد شود که مأمور سیاسی باید مورد تعقیب کیفری قرار گیرد طبق قانون باید درخواست تعقیب به‌ضمیمه دلایل و مدارک جرم به اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران ارسال گردد تا پس از تماس اداره مذکور با وزارت خارجه و انجام مقدمات امر، اقدامات مقتضی توسط دادگاه مربوط انجام گیرد.

شماره ۸۰/۲۱/۳۰۳۶ مورخ
۱۳۸۰/۱/۲۰ شورای نگهبان:
حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی
ریاست محترم قوه قضائیه با سلام
عطف به نامه شماره ۱/۸۰/۱۹۱۰۶ مورخ
۱۳۸۰/۱۰/۹ در خصوص
استفسار نظر شورای نگهبان راجع
به اصل هشتاد و ششم قانون
اساسی جمهوری اسلامی ایران،
موضوع در جلسه سه شنبه مورخ
۱۳۸۰/۱۰/۱۸ مطرح گردید و نظر
تفسیری شورا پس از بحث و بررسی
مفصل و بامطالعه و امعان نظر در
آرا و نظرات فقها، حقوقدانان و
صاحب نظران، بدین شرح اعلام
می گردد. با عنایت به: ۱- مشروح
مذاکرات مجلس بررسی نهایی
قانون اساسی جمهوری اسلامی
ایران در خصوص اصل هشتاد و
ششم، حاکی از این که مصونیت
ریشه اسلامی ندارد و تمام مردم
در برابر حق و قانون الهی یکسان و
برابرند و هر فردی که در مظنه گناه
یا جرم قرار گیرد قابل تعقیب است
و اگر شکایتی علیه او انجام گیرد

ربانی املشی از طرف شورای عالی
قضایی.
قوانین مرتبط: از همین قانون ماده
۴۰۱- در مواردی که به جرائم
موضوع صلاحیت دادگاه کیفری
یک در خارج از حوزه قضائی محل
وقوع جرم رسیدگی می شود، تمام
وظایف و اختیارات دادسرا، از جمله
شرکت در جلسه محاکمه و دفاع
از کیفرخواست بر عهده دادسرای
محل وقوع جرم است.
از قانون اساسی اصل هشتاد و ششم:
نمایندگان مجلس در مقام ایفای
وظایف نمایندگی در اظهار نظر و
رای خود کاملاً آزادند و نمی توان
آن ها را به سبب نظراتی که در
مجلس اظهار کرده اند یا آرائی که
در مقام ایفای وظایف نمایندگی
خود داده اند تعقیب یا توقیف کرد.
اصل یک صد و چهلم: رسیدگی به
اتهام رئیس جمهور و معاونان او و
وزیران در مورد جرائم عادی با
اطلاع مجلس شورای اسلامی در
دادگاه های عمومی دادگستری
انجام می شود. نظریه تفسیری

دستگاه قضائی باید او را تعقیب کند، ۲- اصول متعدد قانون اساسی از آن جمله اصول نوزدهم و بیستم دایر بر برخورداری همه ملت ایران از حقوق مساوی، ۳- اختصاص موضوع اصل هشتادوشش مربوط به اظهارنظر و رأی نمایندگان در مجلس و در مقام ایفای وظائف نمایندگی و عدم ملازمه آن با ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه. ۴- عدم توجیه شرعی منع تعقیب یا توقیف مجرم، ۵- نظر مبارک حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان ناظر و راهنمای تدوین قانون اساسی دایر بر ضرورت پرهیز از هتک حرمت اشخاص و لزوم جبران آن در مجلس و رسیدگی توسط قوه قضائیه، «اصل هشتاد و ششم قانون اساسی در مقام بیان آزادی نماینده در رابطه بارأی دادن و اظهارنظر در جهت ایفای وظائف نمایندگی، در مجلس است و ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه از شمول این اصل خارج می‌باشد و این آزادی منافی مسئولیت مرتکب جرم نمی‌باشد».

دبیر شورای نگهبان. از قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۰۸/۲۲ ماده ۱۹: رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور در صلاحیت دیوان‌عالی کشور است و در جرائم عادی از طریق دادگاه‌های عمومی دادگستری تهران و بااطلاع مجلس صورت می‌گیرد. تبصره- در هرکدام از اتهامات نامبرده رسیدگی مستقیماً به‌وسیله دادگاه انجام‌گرفته و دادسرا حق دخالت ندارد. از ماده ۱۳ آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت: دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی می‌باشند: الف- کلیه جرائم روحانیون ب- کلیه اعمال خلاف شان روحانیون ج- کلیه اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد. د- کلیه اموری که

دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی خواهد شد. ماده ۱۴- دعاوی حقوقی و مدنی علیه روحانیون مطابق قوانین در دادگاه های مدنی و حقوقی رسیدگی خواهد شد مگر موارد خاصی که برحسب ضرورت رسیدگی آن (به نظر دادستان منصوب) در دادگاه ویژه اصلح باشد. در این صورت دادسراها و دادگاه ها موظف اند که با درخواست دادسرا و دادگاه ویژه پرونده را ارسال نمایند. ماده ۱۵- سایر دادسراها در اموری که نسبت به روحانیون از آنها سلب صلاحیت گردیده، حق ورود، تحقیق و تعقیب را ندارند، مگر با اجازه دادستان ویژه حوزه قضائی مربوطه. ماده ۱۶- روحانی به کسی اطلاق می گردد که ملبس به لباس روحانیت باشد یا در حوزه مشغول تحصیل باشد یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفاً روحانی محسوب گردد. ماده ۱۷- تخلفات قضات و کارمندان دادسرا و دادگاه ویژه که در حین یا به سبب خدمت مرتکب

از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می شود. تبصره ۱- در مواردی که دادسرای ویژه، رسیدگی به پرونده ای را به سایر مراجع قضائی ذی ربط واگذار نماید. مراجع مذکور موظف به رسیدگی می باشند. تبصره ۲- در مورد بند ج رسیدگی با هماهنگی دستگاه های ذی ربط صورت می گیرد. تبصره ۳- کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزرا و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران و فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان ها که به لحاظ روحانی بودن نامبردگان فوق پرونده آنان در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت مطرح می گردد و نیز کلیه اتهامات نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه در

شده‌اند، زیر نظر مستقیم دادستان مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.
منصوب و رئیس شعبه اول دادگاه

ماده ۳۰۸- رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آن‌که رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

استثناء قسمت اخیر ماده برای مواردی پیش‌بینی شده که مرجع خاصی برای رسیدگی به جرم معینی تعیین شده باشد، مانند جرائم پیش‌بینی شده در قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹ (نظیر هواپیمارمایی، اخلال در پرواز، خرابکاری در هواپیما یا فرودگاه‌ها یا تأسیسات هواپیمایی)، که در آن دادگاه‌های پایتخت واجد صلاحیت رسیدگی اعلام شده‌اند.

صلاحیت دادگاه برای جرائم اشخاص ماده بالا، اعم از آن است که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند.

این ماده، فقط شهردار شهرستان را شامل می‌شود و شهرداران نواحی شهر را شامل نمی‌شود (نظریه ۷/۶۹۸۱-۱۳/۱۰/۱۳۷۸ ا.ح.ق) همچنین شهردار غیر مرکز شهرستان را دربر نمی‌گیرد. (ر.ک: رأی وحدت رویه ۵۵۰-۱۳۶۹/۱۲/۲۱).

مطابق ماده ۳۰۹ همین قانون (خالقی، آ.د.ک، ص ۳۱۸).
رسیدگی به اتهام عضو شورای اسلامی شهر در صلاحیت دادگاه

محل وقوع جرم است. (نظریه ۷/۳۰۹۶-۱۳۸۱/۳/۲۹.ح.ق.) مقامات ذکر شده در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دو دسته هستند؛ دسته اول دارای مصونیت قضائی می‌باشند، در مورد آن‌ها چنانچه مرتکب جرم مشهود شده باشند ضابطان دادگستری باید اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحاء آثار و ادوات و آلات و آدله جرم به عمل آورند بدون این‌که متعرض آن‌ها شده باشند، سپس مراتب را فوری وفق مقررات مواد ۴۶ و ۴۴ این قانون جهت کسب تکلیف، به دادستان اطلاع دهند؛ اما در مورد کسانی که فاقد مصونیت‌های مذکور هستند، ضابطان باید وفق مقررات عمومی قانون مارالذکر عمل نمایند. (نظریه ۷/۹۹۵-۱۳۹۴/۴/۲۱.ح.ق.)

با توجه به ماده ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی و با لحاظ این‌که بانک‌های دولتی از مصادیق شرکت دولتی موضوع ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و اصلاحات بعدی می‌باشند و ماده ۳۰۸ قانون صدرالذکر، شامل مدیران شرکت‌های دولتی در شهرستان‌ها نمی‌باشد و تنها مدیران مؤسسات و سازمان و ادارات دولتی و نیز نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی در شهرستان‌ها مورد لحاظ قرار گرفته است که از مصادیق مواد ۱، ۲ و ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشند، بنابراین رسیدگی به اتهامات سرپرستان امور شعب بانک‌ها در شهرستان‌ها (اعم از این‌که دولتی یا غیردولتی باشند)، مطابق قواعد عام مربوط به صلاحیت دادگاه‌ها در مرجع قضائی ذی‌ربط (همانند سایر اشخاص)، صورت می‌پذیرد و از این حیث، تفاوتی بین رؤسای شعب بانک‌های شهرستان‌ها و سرپرستی آن‌ها نمی‌باشد. (نظریه ۷/۹۴/۱۵۰۷-۱۳۹۴/۶/۱۱.ح.ق.)

با توجه به اصل صلاحیت محلی

جرائم ارتكابی، قانون‌گذار در مورد صلاحیت رسیدگی بین رئیس اداره و کارمند اداره فرق قائل شده است، درحالی‌که رسیدگی به جرائم ارتكابی کارمندان در صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است رسیدگی به جرائم ارتكابی رؤسای ادارات به مناسبت شغل و وظیفه در صلاحیت دادگاه عمومی مرکز استان است باین‌حال پاره‌ای از جرائم کارکنان دولت از قبیل ارتشا در صلاحیت دیوان کیفر بوده و در حال حاضر باید در دادگاه مرکز استان رسیدگی شود. در مورد کارمندان دادگاه انقلاب نیز همین مقررات لازم‌الاجرا است، ولی قضات دادگاه انقلاب چنانچه مرتکب جرم شوند تابع مقررات مربوط به سایر قضات می‌باشند و فقط دادگاه‌های تهران صالح به رسیدگی هستند. (نظریه ۷/۲۰۸- ۱۳۷۸/۲/۲۱.ح.ق).

الف- رسیدگی به جرائم عمومی بخشدار در دادگاه محل وقوع بزه رسیدگی خواهد شد. ب- رسیدگی به جرائمی که داخل در صلاحیت دیوان کیفر بوده است در دادگاه مرکز استان صورت خواهد گرفت و در این موارد دادگاه عمومی محل وقوع جرم اعم از شهرستان یا بخش حق یا تکلیف تحقیق از متهم و اخذ تأمین از وی را ندارد مگر این‌که دادگاه مرکز استان چنین تکلیفی را با تفویض اختیار و نیابت از دادگاه شهرستان محل وقوع جرم خواسته باشد. (نظریه ۷/۳۸۵۹- ۱۳۸۰/۵/۲.ح.ق).

قانون راجع به محاکمه و مجازات مأموران به خدمات عمومی مصوب ۱۳۱۵/۲/۶، لایحه مربوط به تشکیل دیوان کیفر کارکنان دولت و طرز تعقیب مأموران دولتی در محل خدمت مصوب ۱۳۳۴/۲/۱۹، به‌موجب ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری نسخ شد.

قوانین مرتبط: از همین قانون ماده ۳۱۱- شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر این‌که در قوانین

خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد. تبصره- هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه های کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می شود و چنانچه افراد مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می شود.

ماده ۳۱۰- متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه های قضائی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می گیرد که مهم ترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدا تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.

صدر این ماده بیانگر صلاحیت محلی دادگاه کیفری است که اصل در صلاحیت دادگاه، محل وقوع جرم است؛ و در ادامه یکی از استثنائات صلاحیت محلی را بیان می کند که عبارت است از این که شخصی مرتکب چند جرم در حوزه های قضائی مختلف گردد. همان طوری که ماده ۳۱۴ مقررات مربوط به ارتکاب جرائم متعدد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد را بیان می کند.

مواد ۲۸۴، ۳۱۳ و ۳۱۴، ماده ۳۱۰ را به مواردی که دادگاه رسیدگی کننده صلاحیت ذاتی جهت رسیدگی به تمامی جرائم را داشته باشد، محدود نموده است.

قضائی شروع و نتیجه آن در حوزه قضائی دیگر حاصل شود، محل حدوث نتیجه مزبور، محل وقوع جرم محسوب و مناط صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده نیز همین امر خواهد بود. (رأی وحدت رویه ۷۲۱-۹۰/۴/۲۱).

در رویه متداول سیستم یکپارچه بانک‌ها، به دارنده‌ی چک اختیار داده شده است که علاوه بر افتتاح حساب، وجه آن را از سایر شعب نیز مطالبه نماید. بنابراین، در صورت مراجعه‌ی دارنده چک در مهلت مقرر به شعب دیگر و صدور گواهی عدم پرداخت از بانک مرجوع‌الیه، بزه صدور چک بلامحل محقق و دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی خواهد بود... (رأی وحدت رویه ۶۶۹-۸۳/۷/۲۱).

با توجه به ماده ۲۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری که به موجب آن برای اختلافاتی که در مسئله صلاحیت فی‌مابین محاکم حاصل می‌شود، موافق قوانین محاکمات حقوقی عمل می‌شود و التفات به

یک مرجع کیفری در بعضی شرایط می‌تواند به جرمی که اصولاً خارج از صلاحیت اوست نیز رسیدگی کند که این نوع از صلاحیت را صلاحیت اضافی می‌نامند. برخی از آن شرایط در این ماده ذکر شده و از این موارد جرائم غیرقابل تفکیک و جرائم مرتبط می‌باشد. (ر.ک: آخوندی، آ.د.ک، ج ۲ ص ۴۷۳). هرگاه تمهید در مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه‌های قضائی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاه که بانک افتتاح‌کننده حساب زیان‌دیده از بزه که پول به‌طور متقلبانه از آن برداشت شده در حوزه آن قرار دارد، صالح به رسیدگی است. (رأی وحدت رویه ۷۲۹-۹۱/۱۲/۱)

وقوع بزه مزاحمت برای اشخاص به‌وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر- موضوع ماده ۶۴۱ ق.م.ا- منوط به آن است که نتیجه آن که مقصود مرتکب است محقق گردد. بنابراین، در مواردی که اجرای مزاحمت از یک حوزه

قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ در دادگاه کیفری استان مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی است، این امر موجب نفی صلاحیت دادگاه نخواهد بود و باید به این بزه رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید. آراء دادگاه کیفری استان در موارد فوق قابل تجدیدنظر در دیوان عالی کشور است. (رأی ۷۰۹-۱۳۸۷/۱۱/۱ وحدت رویه). با توجه به صراحت ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، لغو قرار تعلیق اجرای تمام یا قسمتی از مجازات، صرفاً به عهده دادگاهی است که حکم محکومیت قطعی متهم را در خصوص جرمی که در مدت تعلیق مرتکب شده و از جمله جرائم مندرج در ماده مذکور را صادر نموده است اعم از این که دادگاه عمومی باشد یا انقلاب یا نظامی یا در همان حوزه قضائی

ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی مدنی، انتزاع محل وقوع بزه از حوزه قضائی دادگاهی که در حال رسیدگی است، موجب نفی صلاحیت از آن دادگاه نمی‌شود. (رأی وحدت رویه ۳۳-۵۲/۳/۳۰).

مستفاد از اصول کلی حقوقی و مواد ۵۴ و ۱۸۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، هرگاه متهم به ارتكاب چند جرم از درجات مختلف باشد دادگاهی باید به اتهامات او رسیدگی نماید که صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین جرم را دارد. با این ترتیب به نظر اکثریت اعضا هیئت عمومی دیوان عالی کشور در صورتی که یکی از اتهامات متهم از جرائمی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، این دادگاه باید به اتهامات دیگر او نیز که در صلاحیت دادگاه عمومی است رسیدگی نماید. همچنین چنانچه بزه‌ی به اعتبار ترتب یکی از مجازات‌های مندرج در تبصره الحاقی به ماده ۴ اصلاحی

دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اجرای مجازات باشد یا در حوزه قضائی دیگر یا دادگاه بدوی باشد یا تجدیدنظر، زیرا دادگاه اخیر با رعایت صلاحیت ذاتی و محلی به جرم ارتكابی در مدت تعلیق رسیدگی می‌کند و به ماهیت جرمی که اجرای مجازات آن معلق شده، وارد نمی‌شود تا منافاتی با صلاحیت ذاتی و محلی داشته باشد. (نظریه ۷/۹۳/۱۰۶۹-۱۳۹۳/۵/۵ ا.ح.ق.).

با توجه به اطلاق بند الف ماده ۳۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری، صرف صدور کیفرخواست از سوی دادسرای فاقد صلاحیت محلی، مجوز عدم رسیدگی دادگاه و ارسال پرونده به دادسرای که در معیت آن انجام وظیفه می‌نماید، نمی‌باشد و مضافاً به آنکه مرحله تحقیقات مقدماتی با صدور کیفرخواست به پایان رسیده و مرحله دادرسی در معنای اخص آغاز می‌گردد و تجدید مراحل رسیدگی به پرونده در واقع تجویز رسیدگی به آن در دو نوبت در مرحله تحقیقات

مقدماتی است که برخلاف اصول حاکم بر دادرسی کیفری می‌باشد و این امر به‌علاوه می‌تواند موجب اخلال در نظم دادرسی و تضییع حقوق اشخاص و اتخاذ تصمیمات متناقض گردد و لذا بدون وجود نص قانونی، ارسال پرونده از سوی دادگاه کیفری صالح، به دادسرا به‌منظور رسیدگی مجدد و صدور کیفرخواست، فاقد وجهت قانونی است. (از نظریه ۷/۹۴/۲۴۲۲-۱۳۹۴/۹/۴ ا.ح.ق.).

ترک انفاق و همچنین استفاده از سند مجعول از جرائم مستمر بوده و اگر در حوزه‌های مختلف واقع شده باشد مرجعی که سبق رسیدگی دارد صالح است. (ر.ک: مجموعه آرای قضائی شعب دیوان عالی کشور، دی ۱۳۹۱، صص ۱۷، ۱۵).

در جرم کلاهبرداری چنانچه توسل به وسایل متقلبانه در یک شهر و بردن مال در شهر دیگری محقق شود حوزه قضائی که مال در آن برده شده صالح است. (ر.ک: همان، دی ۱۳۹۱، ص ۲۷).

مشارکت متهم در منازعه باید یک دادگاه رسیدگی کند. (نظریه ۷/۲۶۳-۱۳۸۰/۱/۲۲. ا.ح.ق.).

با توجه به مواد ۲۲، ۸۹ و ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصل کلی این است که انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص کلیه جرائم می‌باید در دادسرا صورت پذیرد؛ مگر این‌که در قانون استثناء و به آن تصریح شده باشد. بنابراین در صورتی که متهم علاوه بر ارتکاب جرائمی که مستقیماً قابل طرح در دادگاه است، متهم به ارتکاب سایر جرائم نیز باشد، در این صورت مستفاد از ماده ۱۰۲ قانون فوق‌الذکر و لحاظ ماده ۳۱۳ این قانون که به موجب آن، به اتهامات متعدد متهم می‌باید توأمان رسیدگی گردد، انجام تحقیقات مقدماتی نسبت به کلیه جرائم توسط دادسرا انجام پذیرد و لذا در فرض سؤال، دادگاه بخش می‌باید به جانشینی بازپرس نسبت به انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص جرائم لواط،

نماید. پس در فرضی که برخی از اتهامات مطروحه، از جرائمی باشد که رسیدگی به آن، در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی است، به اتهامات اخیر نیز، در دادگاه کیفری استان رسیدگی می‌شود. لیکن، این امر به آن معنی نیست که جرائمی که در صلاحیت دادگاه عمومی کیفری است نیز بدون رسیدگی مقدماتی و صدور کیفرخواست، در دادگاه کیفری استان مورد رسیدگی واقع شود. (نظریه ۷/۹۴ / ۵۷۷ / ۱۳۹۴/۳/۵. ا.ح.ق.).

اگر برخی از جرائم ارتكابی متهم از صلاحیت ذاتی مرجع رسیدگی‌کننده خارج باشد، قاعده رسیدگی توأمان در خصوص آن جرائم، اعمال نخواهد شد. (از نظریه ۷/۳۳۹۹-۱۳۷۹/۴/۱۱. ا.ح.ق.).

با عنایت به ماده ۴۷ ق.م.ا. ۱۳۷۰ و ماده ۵۴ ق.آ.د.ک. ۱۳۷۸ به جرائم متعدد متهم اعم از این‌که جرائم مشابه باشد یا مختلف باید در یک دادگاه رسیدگی شود. بنابراین، به اتهامات صدور چک بی‌محل و

آدم ربایی و ضرب و جرح عمدی، اقدام و در نهایت با صدور قرار نهایی، پرونده را نزد دادستان مرکز شهرستان ارسال نماید و بدیهی است که در صورت صدور کیفرخواست، پرونده جهت رسیدگی نسبت به همه جرائم وفق تبصره های ۱ و ۲ ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در دادگاه صالح مطرح خواهد شد. (نظریه ۷/۹۴/۱۰۹۴-۷/۹۴/۵/۴ ا.ح.ق).

قوانین مرتبط: از همین قانون ماده ۳۶۶- هرگاه رسیدگی به اتهامات متعدد متهم موجب طولانی شدن جریان دادرسی شود، دادگاه در مورد اتهاماتی که تحقیقات آنها کامل است رأی صادر می نماید، ماده ۳۱۰- (شخصی مرتکب چند جرم در حوزه های قضائی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می گیرد که...).

از همین قانون به مواد زیر مراجعه شود: ۲۱۸ (کیفیت صدور قرار تأمین برای اتهامات متعدد)، ۲۸۴ (صدور کیفرخواست جداگانه در صورت انتساب اتهامات متعدد به متهم با صلاحیت ذاتی مختلف)، ۳۱۴ (ترتیب رسیدگی در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو به اتهامات متعدد متهم)، (هرگاه رسیدگی به اتهامات متعدد متهم موجب طولانی شدن جریان دادرسی شود، دادگاه در مورد اتهاماتی که تحقیقات آنها کامل است رأی صادر می نماید)، ماده ۳۱۰- (شخصی مرتکب چند جرم در حوزه های قضائی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می گیرد که...).

ماده ۳۱۱- شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر این که در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

تبصره- هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه های کیفری تهران و یا مراکز استان

رسیدگی می‌شود و چنانچه افراد مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می‌شود.

این ماده نیز از مصادیق صلاحیت اضافی بوده که شرح آن در ذیل ماده قبل بیان شد. ازجمله قوانین خاص که برخلاف مفاد این ماده، محوریت با متهم اصلی نیست، آیین‌نامه ویژه روحانیت (ماده ۳۱) و قانون مجازات نیروهای مسلح (ماده ۲۴) و ماده ۳۱۲ همین قانون است. (ر.ک: آ.د.ک، گروه علمی مؤسسه چتر دانش ص ۲۸۲).

با استفاده از مفاد مواد ۵۴، ۵۶ و ۱۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، پرونده جهت رسیدگی باید به دادگاهی ارجاع گردد که قبلاً به اتهام برخی از شرکا و معاونین رسیدگی کرده است و ارجاع پرونده به شعبه دیگر صحیح نیست مگر در صورت انحلال یا بلا تصدی بودن شعبه که در این صورت ارجاع پرونده به شعبه دیگر بلامانع است. (نظریه

۷/۹۴/۲۸۲ - ۱۳۹۴/۲/۵ ا.ح.ق). مطابق ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی، شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام «متهم اصلی» را دارد و تبصره ماده مزبور که استثنایی بر ماده یادشده می‌باشد، ناظر به مواردی است که یکی از مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون، در ارتکاب جرم با متهم اصلی؛ معاونت یا مشارکت نماید که در این صورت به اتهام همه آنان در دادگاهی رسیدگی می‌شود که صلاحیت رسیدگی به اتهام مقام یادشده را دارد؛ بنابراین حکم تبصره در مواردی که اتهام مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ مشارکت یا معاونت در جرم (خاص) با سایر اشخاص باشد، قابلیت اعمال دارد و در سایر موارد می‌باید مطابق